ادامه از صفحه اول

صداوسیما، دگرگونی‌ها و محمد سرافراز

بی‌اعتمادی متقابل بین مردم و رسانه ملی، به اضافه موارد دیگری از اشکالات و معایب کلان که در مقابل مدیر باتجربه و جدید سازمان خودنمایی می‌کرد، همه را به این انتظار گذاشت که محمد سرافراز آستین‌ها را بالا بزند و گامی به پیش نهد. سرافراز البته برای کوچک‌کردن بدنه فربه سازمان و چابک‌سازی آن دست‌به‌کار شد، اما نتوانست کار شایسته و بایسته‌ای انجام دهد؛ چراکه در عرصه مدیریت، تدبیر بیشتر از هر چیزی کارایی دارد که به نظر نگارنده در همین امر هم تدبیر درخور یک مدیر فرهنگی به کار نرفت.

بسیاری از مدیران و پرسنل سازمان از بیرون به آن تحمیل شده بودند که برخورد یا حذف هرکدام از آنها، مراکزی را در بیرون سازمان تحریک می‌کرد که جلوی چابک‌سازی او را بگیرند. به یک نمونه اشاره می‌کنم: زمانی که مجلس اصولگرای پنجم پایان یافت و مجلس ششم به دست اصلاح‌طلبان افتاد، قدرتمندان جناح راست باید فکری به حال نمایندگان بی‌کار شده می‌کردند.

آسان‌ترین راه این بود که نمایندگان بازمانده از رقابت را به دستگاه‌ها و سازمان‌های تحت مدیریت اصولگرایان بفرستند. سهم صداوسیما ۷۰ نفر از این نمایندگان دوره پنجم مجلس شد. جالب است بدانید که جمع زیادی از پرسنل عادی، در زمان مرحوم علی کردان به‌وسیله همین نمایندگان اضافه‌شده به رسانه ملی، به سازمان آورده شدند. خارج از این بحث، محمد سرافراز نتوانست و شاید هم نخواست فضای سیاسی برنامه‌های خبری یا تولیدی رسانه ملی را در جهت هم‌گرایی با همه سلایق سیاسی و در چارچوب چندصدایی مدیریت کند و تک‌صدایی را عمق بخشید.

اکنون بعد از سه سال محمد سرافراز با گفت‌وگوهای خود چالشی را مدیریت می‌کند که دیگران را از صحنه خارج کند. به نظر می‌رسد او از این چالش سرافراز بیرون نمی‌آید. درگیرکردن اذهان بعضی از افراد جامعه به موضوعی که حرف‌وحدیث‌های زیادی در آن هست، اگر به‌منظور پوشاندن ضعف مدیریت بر رسانه ملی است، چرا بعد از سه سال طرح می‌شود؟ مگر در همان اردیبهشت ۹۵ که سازمان را ترک کرد و صدها پرسش برای آگاهان سیاسی و اهالی رسانه‌ها پیش آمد، نمی‌توانست دلایل امروزی را با آنان در میان بگذارد؟ و نیز اگر این افشاگری‌ها به‌منظور زمینه‌سازی برای آینده خویش است راه به جایی نمی‌برد.

اگر برای تاریخ است، می‌توانست در کتاب خاطرات خود با آب‌وتاب زیاد بنویسد و به تاریخ مکتوب انقلاب اسلامی بسپارد اما اگر هدف او رونمایی از داستان‌های پنهان و مصائب درون‌جناحی اصولگرایان است، برنامه سودمندی را پیش می‌برد.

سفرپنهانی به عراق

همان‌طورکه ایران آن را بر مبنای منافع مشترک تعریف می‌کند. جنگ تحمیلی علیه ایران بزرگ‌ترین شاهد و نمونه است.

بعد از پیروزی انقلاب، برخی از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و البته کشورهای فرامنطقه‌ای عراق را تحت فشار قرار دادند و جنگ به راه انداختند اما امروز از دیکتاتور عراق خبری نیست و مردم دو کشور بیش از هر زمانی به یکدیگر نزدیک شده و بازرگانان در حال تجارت با یکدیگر هستند. درعین‌حال همان‌طورکه در ماه‌های اخیر دیدارهای متناوبی میان دو کشور انجام شده است، باید نسبت به تحرکات آمریکا در کشور همسایه ایران حساس بود. همکاری مشترک نیازمند تهیه زیربناهای قانونی، رسمی و تسهیلات مناسب از سوی دولت‌های دو کشور است. باید به سطح جدیدی از روابط در اقتصاد، تجارت، سیاست، فرهنگ، امنیت و همکاری‌های نظامی رسید.

در مقابل چالش‌ها و تهدیدهای فعلی، آینده همکاری بین دو کشور باید تقویت شود و تفاهم‌های جدی بین دو دولت حاصل شود که یکی از این زیرساخت‌ها موضوع رسیدن به توافقات در توسعه گردشگری بین دو کشور و همچنین حذف یا کاهش موانع گردشگری است.

همکاری در مسائل امنیتی، حفظ و تقویت امنیت دو کشور و فراهم‌کردن زمینه برقراری یک همکاری امنیتی منطقه‌ای که شامل کشورهای دیگر هم شود، باید موردتوجه دولت‌ها قرار گیرد.

ایران می‌تواند در بازسازی صنایع عراق و همکاری در زمینه‌های انرژی و مکمل همه اینها یعنی همکاری‌های بانکی به مدل‌های ابتکاری با عراق برسد که تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده نیز نتواند بر آن تاثیر منفی بگذارد.

این پیام باید به همه کشورهای منطقه و فرامنطقه‌ای و اتحادیه اروپا داده شود که ایران و عراق باثبات و منسجم، امنیت خاورمیانه و جهان را تأمین کرده و جلوی سربرآوردن تروریسم حمایت‌شده از سوی برخی اعراب و آمریکا را خواهد گرفت.

تحریم چه تأثیری بر سازندگان تجهیزات صنعت نفت، گاز و پتروشیمی دارد؟

ردپای یک شبکه مافیایی

شکوفه حبیب‌زاده: تحریم، منافع چه کسانی را تامین کرد؟ این پرسشی است که در وهله اول پاسخ روشنی به آن وجود دارد؛ قاعدتا کاسبان تحریم. بااین‌حال برخی سازندگان حوزه تجهیزات صنعت نفت، گاز و پتروشیمی چندان موافق آن نیستند. برخی می‌گویند اتفاقا تحریم به سودشان شده و توانسته‌اند رقبای خارجی خود را با افزایش نرخ دلار پس از تحریم، از میدان به‌در کنند. البته با کمی کنکاش در لابه‌لای صحبت با این دسته از تولیدکنندگان و بررسی اینکه با چه شرکت‌هایی کار می‌کنند، آنها را نیز می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ دسته‌ای که با شرکت‌های بزرگ طرف حساب هستند و مشخصا توانسته‌اند از رانت این شرکت‌ها برای افزایش سود خود و واردکردن برخی تجهیزات و مواد اولیه بهره ببرند (اصطلاح کاسبان تحریم روی این دسته می‌نشیند) و دسته دوم، تولیدکنندگان خردی که نیازی به مواد اولیه خارجی ندارند و می‌توانند با بهره‌گیری از دانش و مواد اولیه و تجهیزات داخلی، نظر وزارت نفت و زیرمجموعه‌های آن را در غیاب رقبای خارجی به خود جلب کنند. بااین‌حال نقطه مقابلی هم وجود دارد؛ بخشی که تولیدکننده بزرگ محسوب می‌شود، اما نه آن‌قدرها بزرگ که شائبه خصولتی‌بودن یا فعالیت و همراهی با برخی ارگان‌ها را ایجاد کند؛ بلکه از همان طیف بخش خصوصی است که در مواقع تحریم و افزایش نرخ ارز خارجی، قربانی اصلی تحریم می‌شود. سیروس تالاری، رئیس هیئت‌مدیره انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت، به نمایندگی از این طیف، در گفت‌وگو با «شرق» این دودسته‌بودن طیف مقابل را رد می‌کند و معتقد است بیان این حرف‌ها صرفا انحراف افکار عمومی است. او می‌گوید یک شبکه مافیایی واردات در کشور داریم که یک سر این شبکه داخل ایران، سر دیگر آن، در منطقه و یک سر آن در همه منابع دنیاست. این شبکه از هر فرصتی برای واردات کالاهای ساخت داخل به کشور استفاده می‌کند و چندان به زمان تحریم نیز وابسته نیست، اما در زمان تحریم، قدرت بیشتری می‌گیرد و در رقابت یکه‌تاز است.

تحریم به نفع کدام تولیدکننده است؟

با کمی قدم‌زدن و گپ‌وگفت با غرفه‌دارها در نمایشگاه بین‌المللی صنعت نفت، گاز و پتروشیمی، با نمایندگانی از این دسته‌ها روبه‌رو می‌شویم. قدم به یک غرفه می‌گذارم؛ تجهیزات هیدرولیکی تولید می‌کند. از مدیر فروش این شرکت درباره اثر تحریم بر فعالیت شرکتش می‌پرسم. او می‌گوید: «تحریم به نفع ما شد؛ با افزایش قیمت دلار (که با شدت بیشتری بعد از تحریم‌ها افزایش یافت)، به ساخت داخل بیشتر بها داده شد». از او می‌پرسم علت این نگاهش چیست؟ می‌گوید: «دو علت دارد؛ یکی بحث قیمت دلار و یکی سخت‌شدن واردات کالا برای واردکننده‌ها که باعث شد شرکت‌های داخلی‌ای که تولیدکننده محصول مشابه هستند، پس از مدت‌ها دیده شوند». این مدیر فروش با بیان اینکه به همین دلیل وزارت نفت و شرکت‌های وابسته به آن به سمت ما آمده‌اند، ادامه می‌دهد: «اکنون اختلاف قیمت‌های ما با کالای مشابه خارجی، بالای دو برابر است و به همین دلیل توانسته‌ایم برخی از مناقصات بزرگ را ببریم». با کمی پرس‌وجو البته به شرکت‌های بزرگی می‌رسیم که این شرکت با آنها کار می‌کند. یکی دیگر از تولیدکننده‌ها نیز مشابه او می‌گوید. نماینده فروش این شرکت که البته محصولات پیشرفته‌تری می‌سازد، کاملا تحریم را به نفع شرکت می‌داند و معتقد است در این شرایط، توان رقابت با رقبای خارجی از کشورهایی مانند آمریکا، انگلستان و چین را دارد. این شرکت

هم مناقصه‌های بزرگی را برده و با برخی شرکت‌های بزرگ خصولتی همکاری می‌کند. بااین‌حال، در این نمایشگاه شرکت‌های کوچک‌تری نیز هستند که آنها هم می‌گویند تحریم به نفعشان شده، اما فرضا در حوزه‌های کوچک‌تری مانند تولید پیچ و مهره و... فعالیت می‌کنند و وابسته‌نبودنشان به مواد اولیه خارجی، این مزیت را برای آنها فراهم کرده است. در مقابل این دو دسته، نگاه قدرتری نیز وجود دارد که همه این تولیدکنندگان را در یک ظرف می‌بیند.

سرگردانی تولیدکنندگان تجهیزات صنعت نفت

سیروس تالاری، رئیس هیئت‌مدیره انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت، در حاشیه نمایشگاه بین‌المللی نفت، گاز و پتروشیمی در گفت‌وگو با «شرق» با رد افزایش سود تولیدکنندگان داخلی به واسطه تحریم‌ها و افزایش نرخ دلار، می‌گوید: نباید دلار را به‌عنوان نهاده مجزا از سایر نهاده‌های تولید بدانیم. تالاری با اشاره به اثر دلار بر فرایند تولید و محصولی که از طریق این فرایند به بازار عرضه می‌شود، می‌گوید: در فرایند تولید، باید همه نهاده‌های وابسته به دلار را هم مدنظر قرار دهیم. به گفته او، برداشت اولیه آن است که وقتی ارزش دلار افزایش داشته باشد، ظرفیت رقابت محصولات داخلی در مقابل خارجی‌ها افزایش می‌یابد؛ بنابراین هم وضعیت تولید و هم صادرات بهبود پیدا می‌کند، اما واقعیت این‌گونه نیست. تالاری تصریح می‌کند: به دلیل آنکه اقتصاد دولتی وابسته به دلار در تعاملات بین‌المللی داریم، همه شاخص‌های اقتصادی ایران با ارزش دلار سنجیده می‌شود و امروزه، اثرات دلار را بر همه نهاده‌های اقتصادی شاهد هستیم. وقتی دلار اثرات خود را بر همه نیازهای ما در داخل کشور می‌گذارد و واردات مواد اولیه به دلیل همین افزایش قیمت، گران تمام می‌شود، ساختار روابط تولیدکننده با حوزه مصرف کاملا به‌هم می‌ریزد. آنچه مهم است، این است که این افزایش ناگهانی دلار، به‌ویژه در زمانی که اصلا ثباتی نمی‌توان برای آن متصور شد، همه را سردرگم می‌کند. نه مصرف‌کننده می‌داند با چه هزینه‌ای باید کالا را تأمین کند و نه تولیدکننده می‌داند چگونه می‌تواند روی محصولات تمام‌شده قیمت‌گذاری کند. بر فرض، یک تولیدکننده داخلی وقتی در یک مناقصه، درخواست خرید محصولی را می‌برد، نمی‌داند با افزایش نرخ دلار که روی مواد اولیه او اثر گذاشته چگونه قیمت‌گذاری کند. او از کجا باید اطمینان داشته باشد که دو ماه دیگر وقتی موعد تحویل کالا می‌رسد، دلار به رقمی بالاتر نرسیده باشد؟ بسیاری از تولیدکنندگان در مناقصات و فرایندهای خریدوفروش، وارد معامله شدند و فرضا زمان گشایش قیمت، دلار ۹ هزار تومان بوده، اما وقتی پاکت مناقصه باز می‌شود، سه هزار تومان روی قیمت دلار رفته است!

کد اشتباه به جامعه می‌دهند

او نتیجه‌گیری می‌کند: بنابراین این تحلیل که وقتی قیمت دلار افزایش می‌یابد، ارزش نهاده‌های تولید افزایش می‌یابد و به نفع تولید داخلی خواهد بود، تحلیل به غایت اشتباهی است. این تحلیل به‌نوعی کد اشتباه به جامعه دادن و منحرف‌کردن اذهان عمومی است که بتوانند انگشت اتهام را به سوی تولید و فضای کسب‌وکار داخلی بگذارند و اگر نابسامانی در داخل وجود دارد، بگویند این شیوه مدیریت بخش خصوصی است، درحالی‌که این بی‌ثباتی اقتصادی که از حیطه اقتصاد کلان حاصل شده و دولت نیز مسئول آن است، همه را دچار مشکلات جدی کرده.

دلالان حرفه‌ای تجهیزات نفتی

رئیس هیئت‌مدیره انجمن سازندگان تجهیزات صنعت نفت درباره اثر تحریم بر مافیای واردات تجهیزات نفتی می‌گوید: یک شبکه مافیایی واردات در کشور داریم که یک‌سر این شبکه داخل ایران است و یک‌سر آن در منطقه و یک‌سر آن در همه منابع دنیاست. این شبکه از هر فرصتی برای واردات کالاهای ساخت داخل به کشور استفاده می‌کند و چندان به زمان تحریم نیز وابسته نیست، اما در زمان تحریم قدرت بیشتری می‌گیرد و در رقابت یکه‌تاز است. او ادامه می‌دهد: تجربه نشان داده در حوزه تخصصی ما که به صنعت نفت و گاز وابسته است، اتفاقا زمان تحریم که برخی روزنه‌ها روی پول سرگردان بازار بسته می‌شود، دلالان حرفه‌ای حداکثر استفاده را از این موقعیت می‌کنند و شبکه وارداتشان قوی‌تر می‌شود. به گفته او، برای تولیدکنندگانی که به‌صورت شناسنامه‌دار و رسمی فعالیت می‌کنند، زمان تحریم، نیازهای خود را به مراتب سخت‌تر از زمان غیرتحریم تأمین می‌کنند، زیرا باید در چارچوب قوانین داخلی، منطقه و جهان رقابت کنند. محدودیت‌هایی که ما تولیدکننده‌ها در زمان تحریم داریم، دلالان حرفه‌ای در زمان تحریم ندارند و به همین دلیل آنها در زمان تحریم بسیار فعال‌تر هستند.

آبشخور دلالان حرفه‌ای کجاست؟

از او از پشتوانه این دلالان می‌پرسم، پاسخ می‌دهد: مشخص نیست آبشخور این دلالان کجاست. این‌همه نقدینگی سرگردانی که در بازار وجود دارد را چه کسانی مدیریت می‌کنند؟ صنعتگران و تولیدکنندگان که در این زمینه نقشی ندارند. یک‌سری در حال مدیریت این نقدینگی‌ها هستند و زمانی که تحریم می‌شود، این نقدینگی به شبکه پولی جهان وصل می‌شود و به همین دلیل در زمان تحریم فعال‌تر می‌شوند. تالاری تصریح می‌کند: واردات در شرایط تحریم بیشتر ما را تهدید می‌کند تا زمانی که در شرایط عادی هستیم. در شرایطی عادی سیاست ارزی ثابت، شرایط سهل انتقال پول داریم و می‌توانیم مواد اولیه مورد نیاز خود را تأمین کرده، تولید کنیم و بفروشیم. این شرایط راحت در زمان غیرتحریم، دلالان را بسیار آزار می‌دهد، زیرا شرایط برابری برای رقابت در آن زمان وجود دارد.

ادامه در صفحه ۵

«نشست طرح‌های جایگزین جنگل‌های شمال» با حضور کارشناسان برگزار شد

جنگلبانان سردرگم

لیلا مرگن: قانون برنامه ششم توسعه به تصویب رسید و بهره‌برداری تجاری از جنگل‌های شمال کشور ممنوع شد. باوجودآنکه وزارت جهاد کشاورزی پیش از موعد تعیین‌شده در قانون، اقدام به توقف اجرای طرح‌های بهره‌برداری از جنگل‌های شمال کرد و سه سال از این اقدام پیش‌دستانه می‌گذرد اما این سازمان هنوز نتوانسته است طرح جایگزین مدیریت جنگل‌های شمال را ارائه کند. نه‌تنها طرح جایگزین تاکنون ارائه نشده است بلکه با وجود تبدیل به قانون شدن توقف بهره‌برداری تجاری از جنگل یا همان تنفس جنگل، کامران پورمقدم، رئیس شورای عالی جنگل به‌عنوان بالاترین مرجع رسمی در سازمان جنگل‌ها که باید طرح تنفس را در مسیر درست هدایت کند هم این قانون را «ایده» خطاب می‌کند. اکثر کارشناسان حاضر در نشست که البته غیبت مدافعان اصلی تنفس در بین آنها مشهود بود، نه‌تنها با تنفس موافق نیستند بلکه به نظر می‌رسد ایده‌ای هم برای ارائه طرح جایگزین مدیریت جنگل بدون برداشت چوب نداشتند. البته نقطه مشترک اظهارنظر کارشناسان حاضر در این نشست این بود که باید از تجربیات گذشته بهره گرفت.«نشست طرح‌های جایگزین جنگل‌های شمال» از سلسله نشست‌های «چشم‌انداز مدیریت جنگل‌های شمال کشور» دیروز در خانه اندیشمندان علوم انسانی برگزار شد. در این نشست قرار بود درباره طرح‌های جایگزین جنگل‌های شمال بحث شود اما همان‌طور که رحیم ملک‌نیا، عضو هیئت‌علمی دانشگاه لرستان به آن اشاره کرد، گویا سازمان جنگل‌ها با چراغ خاموش کار می‌کند و طرح‌های جایگزین را کارشناسان حاضر در نشست ندیده‌اند.او ادامه داد: طرح جایگزینی‌ای که من دیدم، سایه سنگین چوب در آن مشهود است. جامعه ذی‌نفعان در جنگل متفاوت است و نمی‌توان فقط به جوامع محلی تکیه کرد. سازمان جنگل‌ها نگاهش به مشارکت خطاست و بر اساس صحبت‌های خلیل آقایی، رئیس سازمان جنگل‌ها، گویا این سازمان به دنبال نیروی کار مجانی می‌گردد.این عضو هیئت‌علمی دانشگاه لرستان تأکید کرد: برای کل جنگل‌های شمال نمی‌توان نسخه واحد پیچید. باید مشخص کنیم کجای جنگل چه پتانسیلی دارد و آمایش سرزمین و آمایش جنگل را نباید با هم اشتباه گرفت. در طرح جایگزین اصلا پایش در نظر گرفته نشده است. سازمان دهه‌ها متولی جنگل بوده است اما با داده و رقم نمی‌تواند ثابت کند که عملکرد مثبتی داشته است یا عملکرد آن منفی است. پایش باید متمرکز بر کارکردها و سیستم مدیریت باشد. مطالعات زیادی دراین‌باره در دانشگاه انجام شده است اما به آنها توجه نشده است.ملک‌نیا گفت: مفاهیم توسعه پایدار در جنگل در دانشگاه‌ها قدمت ۱۵ساله دارد. باید تلاش کنیم طرح‌های قبلی را با رنگ و لعاب توسعه پایدار به جنگل برنگردانیم.کامران پورمقدم، رئیس شورای عالی جنگل به ارائه شرح اقدامات انجام‌شده در زمینه تدوین طرح جایگزین پرداخت. او با اشاره به سابقه تدوین طرح‌های مختلف در زمینه جنگل عنوان کرد: برنامه‌های مختلفی برای مدیریت جنگل داشتیم که به‌صورت کامل یا ناقص به اجرا درآمده است.به اعتقاد پورمقدم در تمام طرح‌های تدوین‌شده برای مدیریت جنگل‌ها، در بدنه کارشناسی هیچ‌گاه توافق کاملی به وجود نیامده است. او که تنفس را ایده خطاب کرد، از تدوین سند راهبردی مدیریت جنگل با حضور معاونت جنگل، بخش تحقیقات و سمن‌ها خبر داد و افزود: در این سند تلاش شده که به معیارهای مدیریت پایدار جنگل فکر شود. در انتهای سال ۹۶ سند تهیه شده توسط رئیس سازمان جنگل‌ها ابلاغ شده است.پورمقدم عنوان کرد: قرار است مدیریت پایدار جنگل در قالب طرح جامعی به مرحله اجرا درآید. برنامه‌ها در قالب حوضه آبخیز طراحی می‌شود و از تمام پتانسیل موجود به‌عنوان چارچوب مدیریت جنگل استفاده می‌شود. در برنامه‌ها به‌طور ویژه به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی توجه می‌شود.به گفته او مطالعات نیمه‌تفصیلی در شورای عالی جنگل تصویب و ابلاغ شده است و متعاقب آن در سازمان جنگل‌ها ستادی تشکیل شده است که مشخصا این طرح را پیگیری می‌کند و به‌طور منظم هردو هفته یک‌بار جلساتی با حضور معاونت‌های مختلف سازمان جنگل‌ها و مدیران کل سه استان شمالی برگزار می‌شود. رئیس شورای عالی جنگل گفت: دستورالعمل مربوط به مدیریت جامع حوضه آبریز تهیه شده و تا ۲۰ روز دیگر نهایی می‌شود. مشاورانی باید مطالعات مورد نیاز تدوین طرح‌های نیمه‌تفصیلی را انجام دهند. کار شناسایی این مشاوران، به‌زودی آغاز می‌شود. با ورود به کار این مشاوران، در ابتدای سال ۹۹، یک برنامه مشخص برای تصویب و اجرا در اختیار شورای عالی جنگل خواهد بود.کاظم نصرتی‌نصرآبادی عضو هیئت مدیره انجمن جنگلبانی نیز در این نشست با انتقاد از نبود یک سیاست‌گذاری کلان و درازمدت در کشور، بیان کرد: اشکال در نبود وزارت منافع طبیعی است. در سال‌های گذشته کسانی که روی صندلی ریاست سازمان جنگل‌ها نشسته‌اند، کارهایی را انجام داده‌اند که اصلا ربطی به سازمان جنگل‌ها نداشته است.او به تشریح برنامه‌های طرح صیانت جنگل که در دهه ۷۰ -زمانی که او سمت معاونت جنگل‌های شمال کشور را بر عهده داشت- به مرحله اجرا درآمد، پرداخت و گفت: ما در جریان صیانت حجم برداشت چوب از جنگل‌های شمال را از یک‌میلیون‌و ۸۰۰ هزار مترمکعب به ۷۰۰ هزار مترمکعب رساندیم.نصرتی ادامه داد: از سال ۹۲ و بعد از مصوبه هیئت دولت برای صیانت از جنگل تاکنون حتی یک صفحه برنامه برای مدیریت جنگل نوشته نشده است. این در حالی است که ما در جریان طرح صیانت برای یک‌ونیم میلیون هکتار از جنگل‌های شمال طرح نیمه‌تفصیلی نوشتیم.

ادامه در صفحه ۵

مالجو در نشست «مزد در ایران و مصالحه اجتماعی» مطرح کرد:

افول جایگاه کارگری

شرق: محمد مالجو، کارشناس اقتصادی در نشست «مزد در ایران و مصالحه اجتماعی» به تشریح فرضیه خود در زمینه حد آستانه تحمل واحدهای تولیدی در مقابل افزایش حداقل دستمزد پرداخت. او با اشاره به افول تدریجی جایگاه کارگران در کشور، ظهور شرکت‌های پیمانکاری، تضعیف نهادهای کارگری، ایجادشدن قراردادهای موقت کار و مسائلی از این دست را عامل تضعیف حقوق قانونی کارگران معرفی کرد. این کارشناس اقتصادی همچنین بر این باور است که تعیین حداقل حقوق و دستمزد لزوما منجر به کاهش ایجاد اشتغال نمی‌شود و واحدهای تولیدی در زمینه تعیین حداقل دستمزد آستانه تحملی دارند که حد این آستانه تحمل، بر اساس مناسبات قدرتی که وجود دارد، تعیین می‌شود.

محمد مالجو کارشناس اقتصادی در نشست «مزد در ایران و مصالحه اجتماعی» که دیروز در خانه وارطان برگزار شد، درباره این نظریه که اگر حداقل دستمزد به میزان زیادی افزایش یابد، نرخ بی‌کاری رشد خواهد یافت، سخن گفت. او در این نشست فرضیه‌ای را درباره حد آستانه تحمل واحدهای تولیدی در مقابل افزایش حداقل دستمزد ارائه کرد.

به اعتقاد مالجو حد آستانه تحمل افزایش دستمزد کارگران تحت تأثیر سه نوع مناسبات قدرت تعیین می‌شود. این مناسبات شامل «رابطه قدرت بین کارگران و کارفرمایان»، «رابطه قدرت بین کارگران و دولت» و «رابطه قدرت بین دولت و کارفرمایان بر حسب اینکه این نوع رابطه قدرت در جامعه چگونه باشد»، است. او گفت: بسته به روابط قدرت، حد آستانه‌ای افزایش دستمزد، می‌تواند افزایش یا کاهش یابد.

مالجو فرضیه خود را از منظر خرد و کلان بین دو سال ۵۸ و ۹۸، با تکیه بر اسناد موجود در مرکز اسناد ملی ایران تشریح کرد.

به گفته این کارشناس اقتصادی در سال ۵۸، حداقل دستمزد در ایران به میزان ۱۷۰ درصد دچار جهش می‌شود اما این رشد، نرخ بی‌کاری را از رقم ۱۰.۶ درصد در سال ۵۷ به رقم ۹.۷ درصد در سال ۵۸ می‌رساند. یعنی با وجود افزایش دستمزد، نرخ بی‌کاری افزایش نیافته است.

او تأکید می‌کند: کسی نمی‌داند آستانه تحمل افزایش حداقل دستمزد چقدر است اما افزایش حداقل دستمزد، تأثیر اشتغال‌زایی دارد. زیرا با افزایش دریافتی طبقات فرودست‌تر امکان خرید برای آنها به‌وجود می‌آید. این قشر به دلیل مسائل مالی عمدتا خریدار تولیدات وطنی هستند. به این ترتیب یکی از مهم‌ترین مشکلات ما در تولید که کمبود تقاضاست به سهم خود روی تولید تأثیر می‌گذارد و یکی از موانع انباشت سرمایه را کم‌رنگ می‌کند. مالجو اضافه کرد: البته افزایش حداقل دستمزد می‌تواند بنگاه‌های کوچک و متوسط را تعطیل و طرح توسعه‌ای این واحدها را متوقف کند.

او مناسبات قدرت را که روی آستانه تحمل حداقل دستمزد اثر می‌گذارد، تشریح کرد. این کارشناس اقتصادی گفت: یکی از مناسبات قدرت، رابطه قدرت بین کارگران و کارفرمایان است. بعد از جنگ این رابطه به دلیل موقتی‌سازی قراردادهای نیروی کار، ظهور شرکت‌های پیمانکاری تأمین‌کننده نیروی انسانی، خروج بخش‌های وسیعی از نیروی کار از شمول قانون کار و ازبین‌رفتن چتر حمایتی اشتغال دولتی برای کارگران، به ضرر کارگران تمام شده است. او افزود: رابطه قدرت بین کارگران و دولت هم به زیان کارگران تغییر یافته است. بعد از سال ۶۱ و ۶۲ این روند آغاز شده است. نه تنها تشکل‌های آنها وابسته به دولت و کارفرماست و این تشکل‌ها نمی‌توانند مستقل باشند و منافع کارگران را در برابر کارفرما و دولت صیانت کنند، از نظر حقیقی و حقوقی هم با این تشکل‌ها برخورد جدی می‌شود.

مالجو درباره رابطه قدرت بین دولت و کارفرما نیز عنوان کرد: این رابطه به نفع کارفرما و به زیان دولت تغییر یافته زیرا دولت چشم امیدش به ایجاد اشتغال توسط بخش خصوصی است. بنابراین در تعیین دستمزد، دولت باید منافع بخش خصوصی را حفظ کند. در حال حاضر تمایل بخش خصوصی برای ایجاد اشتغال به پاشنه آشیل دولت تبدیل شده است.

او تأکید کرد: در چنین چارچوبی رقم آستانه‌ای مشخص نیست در حالی که رقم آستانه افزایش حقوق در گذشته بالاتر بوده است.

این کارشناس اقتصادی عنوان کرد: کسانی که معتقدند افزایش حداقل دستمزد باعث افزایش نرخ بی‌کاری می‌شود، تضاد منافعی رابه لحاظ گفتمانی بین کارگران شاغل و بی‌کار ترسیم می‌کنند. می‌گویند حداقل دستمزد به نفع کارگرانی است که حقوق می‌گیرند و به زیان کارگرانی است که شغلشان را از دست می‌دهند. به این ترتیب تضاد منافع درون طبقه کارگری شکل می‌گیرد.

او ادامه داد: اگر می‌خواهیم با افزایش دستمزد نرخ بی‌کاری بالا نرود، باید روابط قدرت اصلاح شود. قراردادهای موقت در زمینه کارهای ثابت حذف شود. شرکت‌های پیمانکاری منحل شوند و تمام کارگران زیر چتر نهاد شمول قانون کار بیایند. همچنین تعهد دولت برای اشتغال‌زایی احیا شود زیرا امروز بخش خصوصی توان اشتغال‌زایی ندارد و دولت طبق قانون اساسی ملزم به ایجاد شغل است. باید موانع حقوقی و قانونی بر سر راه تأسیس تشکل‌های کارگری مستقل نیز برداشته شود.

خبر

واکاوی موانع روابط مالی در گفت‌وگو با سفیر اسبق ایران در چین

۲ اتفاق دست کنلون بانک را برای رابطه با ایران بست

● سفیر اسبق ایران در چین با اشاره به دو اتفاقی که دست کنلون بانک را برای رابطه با ایران بست، گفت: موانع و مشکلات کنلون بانک چین در کوتاه‌مدت رفع خواهد شد. فریدون وردی‌نژاد در گفت‌وگو با پایگاه خبری بازرگانان ایران اظهار کرد: آنچه بانک کنلون به طور رسمی در بیانیه‌ای اعلام کرد، منبعث از دو واقعیت است. مورد اول نگرانی آنها برای همکاری‌های بانکی، اعتباری و پولی میان دو کشور با توجه به لزوم رعایت قوانین بین‌المللی ازجمله FATF، WTO و... برای چین است؛ چراکه همکاری‌های بین‌المللی نیازمند رعایت یک‌سری قوانین و ضوابط است که طرفین در صورت همکاری تجاری متعهد به رعایت آن هستند؛ اما به دلیل اینکه لوایح چهارگانه در ایران هنوز نهایی نشده و به جمع‌بندی نرسیده است، مشکلات بانکی و اعتباری ایران نه‌تنها برای کنلون بانک چین؛ بلکه در تمام بانک‌ها پابرجاست. او با اشاره به اینکه تمام بخش‌های تجاری چین به نحوی با یکدیگر مرتبط هستند، ادامه داد: در این کشور بخش بازرگانی، گمرکی، بانکی، اعتباری، بیمه‌ای، کشتی‌رانی و... همه به هم مرتبط شده است؛ بنابراین اسناد، مدارک و مستندات طرف تجاری چین باید به گونه‌ای باشد که در این شبکه ارتباطی قرار گیرد که در صورت وجود هرگونه نقص بتواند پاسخ‌گو باشد یا در صورت بروز مشکل در این شبکه روند تجارت ایست خواهد کرد. وردی‌نژاد واقعیت دوم را فشار آمریکا بر چین برای اعمال تحریم‌های نوع دوم دانست و گفت: اکنون این دو کشور در حال مذاکره برای روابط تجاری، اقتصادی و مناسبات تعرفه‌ای میان خود هستند؛ بنابراین برای اینکه بهانه‌ای دست آمریکا ندهند تا فشار را بر اقتصاد چین بیشتر کند، یک‌سری ملاحظات دارند. او افزود: در چنین شرایطی بانک کنلون و تمام بانک‌های چینی با مشتریان خود یک سلسله ملاحظات، تجدید نظر و اصلاح روابط را دنبال می‌کنند و آنچه اکنون بانک کنلون اعلام کرده، در همین چارچوب است. مدیر پروژه چین اتاق بازرگانی تهران تأکید کرد: بانک کنلون بنا به دلایل یادشده چارچوب‌هایی را در بیانیه خود در نظر گرفته که ضوابط را نسبتا تنگ‌تر و سخت‌تر کرده است که در این مدت تجار ایرانی باید این ضوابط را رعایت کنند. او با اشاره به سابقه تحریم‌ها و مشکلات بانکی با کنلون، عنوان کرد: این دوره موقت و کوتاه خواهد بود و به‌زودی چین راهی برای حل‌وفصل این مسئله و برقراری مجدد مناسبات اعتباری و مالی پیدا خواهد کرد.

قیمت سبد نفتی اوپک اندکی افزایش یافت

● قیمت سبد نفتی سازمان کشورهای صادرکننده نفت روز سه‌شنبه، ۱۷ اردیبهشت، اندکی افزایش یافت. به گزارش دبیرخانه اوپک، قیمت سبد نفتی این سازمان سه‌شنبه به ۷۰دلارو ۴۵ سنت رسید؛ درحالی‌که قیمت این شاخص روز دوشنبه، ۱۶ اردیبهشت، ۷۰دلارو ۲۳ سنت در ازای هر بشکه بود. سبد نفت خام اوپک شامل ۱۴ نوع نفت خام اعضای این سازمان ازجمله مخلوط الجزایر، گیراسول آنگولا، اورینته اکوادور، سبک رابی گابون، میناس اندونزی، سنگین ایران، سبک بصره، صادراتی کویت، السدر لیبی، سبک بونی نیجریه، مارین قطر، سبک عربی عربستان، موربان امارات و مری ونزوئلا است.

سکه طرح جدید به ۵ میلیون و ۱۵۶ هزار تومان رسید

● به گزارش مهر در جریان معاملات بازار آزاد تهران، سکه طرح جدید روز گذشته به پنج‌میلیون‌و ۱۵۶ هزار تومان رسید.

همچنین هر قطعه سکه تمام‌بهار آزادی طرح قدیم چهارمیلیون‌و ۹۷۰ هزار تومان، نیم‌سکه دومیلیون‌و ۹۰۰ هزار تومان، ربع‌سکه یک‌میلیون‌و ۹۰۰ هزار تومان و سکه یک‌گرمی یک‌میلیون‌و ۳۰ هزار تومان است. درعین‌حال هر اونس طلا در بازارهای جهانی هزارو ۲۸۷ دلار و هر گرم طلای ۱۸ عیار نیز ۴۸۱هزارو ۹۰۰ تومان است.

واردات نفت چین از ایران در ماه مارس به بیشترین میزان ۶ ماه گذشته رسید

● میزان واردات نفت چین از ایران در ماه مارس ۸۰۶هزارو ۴۵۲ بشکه در روز بوده که بیشترین میزان در شش ماه گذشته محسوب می‌شود.

به گزارش فارس به نقل از رویترز، میزان واردات نفت چین در ماه‌های قبل از می یعنی زمانی که آمریکا اعلام کرد معافیت‌های تحریمی خرید نفت از ایران تمدید نمی‌شود، رکورد زده است.

این گزارش می‌نویسد صادرات نفت ایران به چین در رکوردزنی واردات این کشور نقش مؤثری داشته است.